

یک ویلچر هستم که دارم
کار مهمی توی مشهد
من آرزو دارم همین جا
هر روز و شب، چرخم بچرخد

ویلچر حرم

توی حرم، در شهر مشهد
خدمت گزار زائرانم
هر زائری پا درد باشد
او را به مقصد می‌رسانم

شاید که من را دیده باشی
در صحن و در ایوان و در بست
من کار خود را دوست دارم
توی حرم گشتن چه خوب است



قصه‌های

شماره ۴۲

۲۲ اردیبهشت

۱۴۰۱

شعبه

بخوانیم

شاعر: زهرا قربانی

تصویرگر: زهرا امسان‌فر